ابراز احساسات فرح پهلوی به صهیونیست‌ها

رانندگی آمبولانس برای فرزندان اسرائیل!



فرح پهلوی ابتدا در مدرسه ایتالیایی‌های تهران به نـام خواهران کاتولیک ثبت‌نام کرد و پس از طی این دوره، به مدرسـه ژاندارک تهران رفت که این مدرسه توسـط راهبه‌های فرانسوی اداره می‌شـد. در کتاب «کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران» درباره چگونگی و زمان شـروع به کار مدارس فرانسوی‌زبان در ایران که هر کدام شاخه‌ای بودند از «آلیانس جهانی اسرائیل» چنیـن می‌خوانیم: «مدرسـه‌های فرانسـوی‌زبان از اواسـط قرن ۱۹ در ایران شـروع به کار کرد. مدرسه نوین فرانسوی‌زبان خود شاخه‌ای بود از آلیانس جهانی اسرائیل که سـال ۱۸۶۰ جهت همدردی با یهودیان و به اصطلاح رسیدگی به گرفتاری‌های هم‌کیشان در سراسر جهان برپا شد! مرکز این انجمن در پاریس بود و بنیانگذارش «آدلف.ک.میو» و چند تن از روشنفکران یهودی بودند». او مقطع متوسطه را در دبیرستان رازی به پایان رساند و پس از دریافت دیپلم به فرانسه رفت و در مدرسه معماری پاریس ثبت‌نام کرد و پس از ۲ سال تحصیل با طرح موضوع ازدواجش با محمدرضا پهلوی، تحصیلاتش را نیمه‌تمام رها کرد.

■ **ازدواج فرح، انتظار تولد ولیعهد؟!**

محمدرضا پهلوی، به طور رسـمی ۳ بـار ازدواج کرد. نخسـتین‌بار با فوزیه، خواهر ملک فاروق پادشاه مصر ازدواج کرد که حاصل ازدواج آنها دختری به نام شهناز بود. دومین ازدواج شاه با ثریا اسفندیاری بود اما انتظار تولد ولیعهد عملی نشد و سال ۱۳۳۷ به دلیل نازایی ثریا، دومین ازدواج به طلاق انجامید. سـومین ازدواج محمدرضـا پهلوی سـال ۱۳۳۸ انجام گرفت. دربار پهلوی و خـود محمدرضا حدود ۲ دهه منتظر تولد ولیعهدی بودند که جانشین پادشاهی پهلوی شود، لذا این ازدواج برای دربار مهم تلقی می‌شـد، زیرا سن شاه حدود ۴۰ سال بود ولی ولیعهدی نداشت. از طرف دیگر برای فرح نیز این ازدواج بااهمیت بود، زیرا برای او مسـجل شده بود که درباریان و شخص محمدرضا انتظـار به دنیا آوردن ولیعهد را از او داشـتند و با این ذهنیت این ازدواج برای فرح نیز حسـاس شده بود و بـا خود فکر می‌کرد اگر فرزندی کـه به دنیا می‌آورد مثل اولین فرزند محمدرضا دختر باشـد چه جوابی به درخواسـت‌های دربار و محمدرضا باید بدهد یا اگر همچون همسر دوم محمدرضا- ثریا- او نیز نازا باشد چه کار باید بکند؛ مجموعه این مسـائل باعث نگرانی محمدرضا، دربار و فرح شد. آشنایی محمدرضا با فرح دیبا و ارتباطات آنان از تابستان ۱۳۳۸ شروع و ازدواج آن دو اواخـر آبان صـورت گرفت و خبر حاملگی که اواخر اسـفندماه ۱۳۳۸ اعلام شد بسیار حساس بود. در ایـن مدت اقدامات گوناگونـی برای حاملگی فرح انجام گرفت و از جمله این اقدامات دعوت از پزشکان خارجی بود. در این بین نقش پزشکان و متخصصان رژیم صهیونیستی برای بچه‌دار شدن فرح مؤثر بود زیرا در آن دوران پزشکان اسرائیلی برای درمان پادشاهان وابسته و زنان‌شـان از آن جمله فرح، اهمیت ویژه‌ای داشـتند. این اهمیت از آن جهت بـود که دربار ایران نمی‌توانست مشکل نازایی ملکه و زن شاه را رسما اعلام یا به صورت علنی موضوع درمان را دنبال کند.

■ **کمک پزشکان اسرائیلی برای تولد رضا پهلوی**

مجله «بول» چاپ اسـرائیل خبری را منتشر کرد مبنی بر اینکه فرح دیبا ملکـه ایران، ولیعهد ایران را پس از معالجه طولانی در اسرائیل، به دنیا آورده است. بهار سال ۱۹۵۹ از وزارت خارجه اسرائیل به پروفسور آشرمن تلفن شد که هر لحظه در انتظار دیدار یکی از مهم‌ترین شخصیت‌ها باشد و این شخصیت می‌خواهد توسط او معاینه شود. این شخصیت بسیار مهم مورد نظر وزارت خارجه، فرح دیبا همسـر سـوم شاهنشاه ایـران محمدرضا پهلوی بود. پزشـک پیر در زندگی خود شـخصیت ارزنگهداری محسوب می‌شد و فرح دیبا مدتی در مطب شخصی او اقامت کرد و محرمانه معالجه شد. هیچکس جز خود آشرمن و پرستاران از این راز اطلاع نداشتند. حتی همسر و فرزندان پروفسور آشرمن نیز از اسرار او بی‌اطلاع بودند و تنها می‌دانستند پدر خانواده چند بار به تهران مسافرت کرده و پس از یکی از این بازدیدها عکسی از شاهنشاه و ملکه، موشح به امضای آنها با خود همراه دارد. در عکسی که پس از تولد ولیعهد منتشر شد پروفسور آشرمن در حالی که صورت خود را پوشـانیده است به اتفاق پرستاران در کنار کالسکه ولیعهد دیده می‌شود ولی از او نامی برده نشده است. در مطبوعات ایران نیز چنین عکس‌هایی موجود است که چند تن از پزشکان در کنار کالسکه نوزاد عکس گرفته‌اند که صـورت بعضی از آنان قابل شناسایی نیست. اما آنچه می‌تواند مؤید اطلاعات فوق باشـد اسناد به جا مانده از ساواک است. یکی از اسناد گزارشی از یک محفل یهودی- صهیونیستی در تهران اسـت که حکایت از سـفر یکی از پزشکان اسرائیلی بـه ایران برای به دنیـا آوردن رضا پهلوی می‌کند؛ در قسمتی از این سند می‌خوانیم:

«بین محافل یهود گفته می‌شود پروفسور زوندوک طبیب مخصوص امراض زنان و قابله بین‌المللی برای وضع حمل علیاحضرت ملکه فرح بنا به دستور دربار به تهران خواهد آمد. وی تاکنون ۲ بار به تهران آمده و در هر ۲ نوبت از دریافت وجه خودداری کرده است». اگرچه اسامی ۲ پزشک اسرائیلی با هم متفاوت است اما احتمال اینکه چند پزشک در این مورد با هم همکاری کرده باشـند وجود دارد یا اینکه نام یک فرد با پسوند و پیشوند بوده و هر بار یکی از نام‌ها گفته شده باشد. این موضوع حکایت از علاقه‌مندی و حساسیت رژیم صهیونیستی برای استمرار حکومت خاندان پهلوی در ایران داشت.

■ **رژیم صهیونیستی و جشن تاجگذاری**

سـنت تاریخ‌نگاری جدید ایـران در دوران میرزا حسین‌خان سپهسـالار ریشه دارد و به‌طور جدی در دوران پس از مشروطه و بویژه در دوران رضاشاه شکل می‌گیرد. اینان با تحریف تاریخ ایران، شاهان باستان از جمله هخامنشی را بسیار تمرکزگرا و شخص پادشاه را مسـتبد یا دیکتاتور مصلح معرفی می‌کردند و این پایه فکری تاریخ‌نگاری در دوران پهلوی قرار گرفت، در حالی که فرهنگ و تمدن ایرانی و سابقه آن به هزاره پنجم و حتی هزاره هشتم قبل از میلاد بازمی‌گشت و قبل از هخامنشیان، مادها، عیلامیان، کاسـی‌ها، کوتی‌هـا و غیره و غیره در ایران دارای تمدن بودند و آثار آن تا به حال موجود اسـت؛ با این تحریف جشن تاجگـذاری در زمـان رضاخان باب شـد و در دوران محمدرضا پهلوی تکرار شـد. تاجگذاری محمدرضا و فـرح پهلوی در سـال ۱۳۴۶ برای پـر کردن خلأ جانشـینی رژیم پهلوی صورت گرفت. از طرف دیگر رژیم صهیونیستی چون حامی‌ای جز شاه ایران نداشت در بزرگداشـت چنین مراسمی و بیشتر برای هدفی که به آن اشـاره شـد، تبلیغ زیادی کرد و سعی کرد با این اقدام نظام شاهنشاهی در ایران مستحکم‌تر از گذشـته به حیاتش ادامه دهد و اتحاد و همبستگی ۲ رژیـم ادامه یافته و رژیم صهیونیسـتی در سـایه قدرت محمدرضا و با استفاده از منابع گوناگون ایران بتواند به امنیت ملی خود کمک کند، به همین دلیل مطبوعات اسرائیل درباره این جشن‌ها قلمفرسایی‌های زیادی کردند و سران خود جشن گرفته و سخنرانی و خوشحالی کرده و هدایای گرانبهایی تهیه و تقدیم شاه و فرح کردند. ابوالفضل وکیلی ضمن مذاکراتی اظهار داشت: در بین روحانیون قم شایع است دولت اسرائیل دو پیکره از جمشید جم و داریوش کبیر به مناسبت جشن‌های تاجگذاری برای شاهنشاه فرستاده که برای ایـن دو پیکره مبلغ ۴ میلیون تومـان ارزش تعیین شـده و این اقدام ثابت می‌کند شاه و دولت ایران قلبا با اسرائیل هستند و پشتیبانی آنها از اعراب، ظاهری اسـت. در خبری دیگر مطبوعات اسـرائیل از تقدیم هدیـه‌ای از طرف یهودیان ایران گـزارش می‌دهند. عناصر یهودی- صهیونیسـتی داخـل نیز فعالانه در تدارک جشـن شـرکت کردند و پیام دادند و جشن گرفتند و برنامه‌های گوناگونی در سراسر کشور اجرا و هدیه‌ای اختصاصی به فرح تقدیم کردند؛ سند جشن تاجگذاری در این زمینه می‌نویسد: «تابلوی مشهوری برای هدیه به شهبانوی عالیقدر و هنرشناس و هنرپرور ایران تهیه شده است. این تابلو اثر «اوژن بودن» نقاش مشهور فرانسـوی قرن گذشته است که سال ۱۸۷۵ کشیده شده است». روزنامه داوار رژیم صهیونیستی نیز از شرکت گروه رقص حیفا در مراسم تاجگذاری و اجرای برنامه خبر می‌دهد.

■ **اسرائیلی‌ها در جشن هنر شیراز**

با توجه به آنکه اسرائیلی‌ها خود را وقف حمایت و تعریف از رژیم و سیاست‌های آن کرده بودند، آنان را بر آن داشت تا در جشن هنر نیز شرکت کنند و به تعریف و تمجید از آن بپردازند و آن را نشانه‌ای از علاقه فرح به هنر بدانند. سفیر اسرائیل در این زمینه می‌نویسد: «شـهبانو فرح با برپایی جشنواره‌های هنری که هر ۲ سـال یک بار انجام می‌شد، هنرمندان و هنرشناسان کشور، بویژه جوانان را برمی‌انگیخت به گسترش هنر ناشکفته ایرانی دست یازند تا زمینه‌ای برای جوشش و شـگفتی‌های نیروهای جوان گـردد. ژرفنگری در کاربرد و پیشینه سازها و آوازها، نگارگری‌ها (نقاشی‌ها) و نمایش‌ها گوشـه‌هایی از این نگرش گسـترده بود که هر از گاهی هنرمندان یا کارشناسـان اروپایی نیز با پاره‌ای همکاری‌ها فراخوانده می‌شـدند. در تکه‌ای از نمایشـی که در یکی از این جشنواره‌ها به نمایش درآمده بود، هنرمندان نیمه‌برهنه پایکوبی می‌کردند که با واکنش‌های خشمگینانه گروهی از کیشمداران روبه‌رو شدند. در سومین جشنواره هنر شیراز، گروهی از هنرمنـدان گیلانـی، آذری، قوچانی و بختیاری به رهبری رینـاشـارت رقص‌های زیبای بومی این تکه‌ها از خاک ایران را نمایش دادند که بازتاب گسـترده آن به رسـانه‌های گروهی کشور کشـید ولی نگارندگان گزارش‌ها در شناسایی این رهبر چیره‌دست کوتاهی کردند که کوشـیدم آنها را از ملیت اسرائیلی وی آگاه نمایم (رینا عروس موشه شارت نخستین وزیر خارجه و نخست‌وزیر پیشین اسرائیل بود).

■ **اسرائیل و جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی**

یکـی از رویدادهـای دوران محمدرضـا پهلوی، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بود. این جشن که به اصطلاح به مناسبت ۲ هزار و پانصدمین سال پادشاهی کـورش در تخت‌جمشـید برگزار شـد، هزینه‌های هنگفـت و پیامدهای گوناگونی را دربرداشـت و این در حالی بود که بسـیاری از مردم در فقر و گرسنگی به سر می‌بردند. در این جشـن، ۲۰ پادشاه و امیر، ۵ ملکه، ۲۱ شاهزاده، ۱۶ رئیس‌جمهور، ۳ نخست‌وزیر، ۴ معاون رئیس‌جمهور و ۲ وزیر خارجه، از ۶۹ کشور شرکت کردند. مراسم جشن در نهایت گشاده‌دستی و اسراف انجام گرفت و هزینه آن بیش از ۲۰۰ میلیون دلار برآورد شد. متأسـفانه زمانی که میلیون‌ها دلار صرف هزینـه خرید و ارسـال مشـروب، گل و غذا از اروپا شـد و میهمانان جشـن در تخت‌جمشـید، جگـر غاز و خاویار مزه‌مزه می‌کردنـد، هزاران ایرانی در ایالات سیستان‌وبلوچسـتان و حتی روسـتاهای فارس گرسـنه بودند اما جشن اینچنینی با پیشنهاد اسـرائیلی‌ها برنامه‌ریزی و اجرا شـد. تـدی کولک، مدیرکل نخسـت‌وزیری و رئیس اتحادیه توریسـتی دولت اسـرائیل، به ریاست هیاتی اسرائیلی به عنوان برنامه‌ریز، برگزیده شده بود. وی به همراه ۲ نفر دیگر بنا به دعوت اسـدالله علم- نخست‌وزیر- روز ۴ مرداد ۴۱ به تهران عزیمت کردند و پس از ۱۰ روز توقف در ایران و چند بار ملاقات و مذاکره با علم، روز ۱۴ مرداد به اسرائیل بازگشتند. در این سفر کولک با گردانندگان جشن‌های ۲۵۰۰ سـاله نیز همکاری زیادی داشت. وی توصیه کرد ضمن تأسـیس هتل‌هـا، جاده‌های جدید و وسایل نقلیه مدرن در تخت جمشید ایران، واقعه مهمی مطرح شـود تا نظـر خارجیان را به این تسهیلات جدید جهانگردی جلب کند. اسرائیلی‌ها مبنای تبلیغات خود را برای نفوذ بیشـتر در ایران بر زنده نگه داشتن نام کورش متمرکز کردند و دستگاه پهلـوی نیز علاقه‌مند بـه طرح این موضـوع بود تا همردیف پادشاهان باستانی از جمله کورش قرار گیرد. کنگره بین‌المللی یهود، کمیته‌ای برای اداره فعالیت جهانی یهـود برنامه‌ریزی کـرد و اقدامات مختلفی انجام داد. اسـرائیل در این جشـن‌ها فعال بود و نت آهنگ کورش، مخصوص جشـن ۲۵۰۰ ساله توسط عزرا کیا- آهنگسـاز اسرائیلی- ساخته شد تا هنگام جشـن نواخته شود و مجله لبنانی العیاد نیز نوشت: کمیته امنیتی جشن توسط اسرائیلی‌ها اداره می‌شد.

■ **مهر بی‌پیرایه شهبانو فرح به اسرائیل**

علاقه رژیم پهلوی به اسرائیل و بالعکس مثل آنچه قبل از این عنوان شد ریشه در بی‌ریشه بودن ۲ رژیم داشت، لذا با حمایت یکدیگر قصد مقابله با بحران‌ها و چالش‌های مقابل را داشتند. نویسندگان اسرائیلی نیز در نوشـته‌های خود از علاقه فرح به اسرائیل سخنان گوناگونی بیـان کرده‌اند. از جمله مئیر عزری در این زمینه می‌نویسد: «مهر بی‌پیرایه شهبانو به اسرائیل و مـردم یهود هرگز پنهان نبود. دیـدار گرم او از غرفه اسرائیل در نمایشگاه آسیایی تهران را می‌توان نمونه‌ای از این مهر و وابستگی آشکار خواند. دیدارهای پیاپی وی از بیمارسـتان یهودیان تهران در جنوب شـهر و رسـیدگی‌هایش از خانواده‌های یهودی را باید نشانه دیگری از این بی‌پیرایگی بدانیم». فرح در جواب سؤال خبرنگاری راجع به احساسش هنگام جنگ‌های اعراب و اسـرائیل عنوان کرده بود: «گریه کردم؛ حاضر بودم به عنوان ابراز تشکر حتی برای اسرائیل نیز رانندگی آمبولانس بنمایم. آری! همیشه به یاد خواهم داشت که فرزندان اسـرائیل برای من چه کرده‌اند». رژیم پهلوی برای خدمت به رژیم صهیونیستی از کشورهای مرتجـع عربی حمایت و به آنـان کمک‌های مالی و تسلیحاتی می‌کرد و از اقدام خائنانه سادات در سازش با اسـرائیل حمایت کرد. فرح در این زمینه می‌گوید: «همان‌طور که اطلاع دارید، کشـور من چه دولت و چه ملت(!) همگی از سـادات پشتیبانی کرده و اقدام شـجاعانه او را ستودند. شاهنشاه همیشه از سیاست واقع‌بینانه و سازنده سادات تمجید کرده و وی را مردی بزرگ و دوستدار صلح می‌داند».

منبع: زنان دربار به روایت اسناد ساواک(۵)، فرح پهلوی، مرکز بررسی اسناد تاریخی

به مناسبت میلاد فرخنده حضرت زینب کبری سلام‌الله علیها

۴ درس از یاور ۴ امام

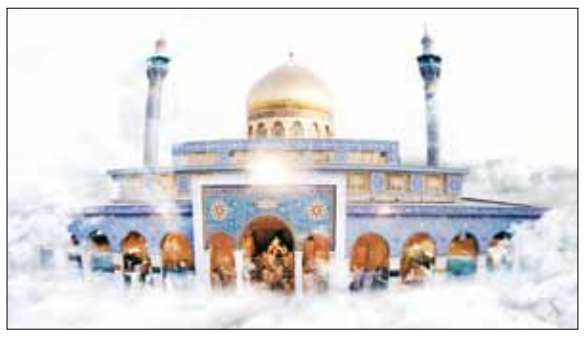
حجت‌الاسلام محمد صدارت: در ایام ولادت بانویی به سر می‌بریم که تحت تربیت معصومین و زندگی در کنـار معصومین بـه الگویی برای انسـان‌های غیرمعصوم تبدیل شد تا نشان دهد سبک زندگی یک مومن ولایتمدار به چه شکل باید باشد، بانویی کـه هزاران هزار درس برای زندگی انسـان ایمانی دارد اما در معرفی ایشـان، فقط به صبر و مصیبت کفایت شده است. درست است صبر و مصیبتی که زینب کبری(س) در زندگی خود با آن مواجه بود از بزرگ‌ترین و سخت‌ترین وقایع بشریت بوده اما باید دقت داشت می‌توان با مطالعه رفتار این بزرگ‌بانوی تربیت شـده در مکتب اهل بیـت(ع) برای لحظه لحظه زندگی نکاتی برداشت کرد که در این مجال کوتاه به گوشه‌هایی از آن می‌پردازیم.

■ **خودسازی**

اولین نکته‌ای که می‌توان به آن پرداخت، رشد و خودسازی دختر امیرالمومنین(ع) در شرایط سخت زندگی اسـت، امروز شـاهدیم برخی جوانان علت رفتارهای غلط و ناهنجاری‌های خود را در کاستی‌ها، سختی‌ها و مشکلات می‌بینند و ادعای این را دارند که اگر زندگی اینان به این شدت سخت نبود، دچار غفلت‌ها و کج‌روی‌ها نمی‌شـدند، از سـوی دیگر جوانانی را شاهدیم که دچار انحراف و کج‌روی نشده و علاقه‌مند به زندگی در مسیر اهل بیت(ع) هستند اما به دلیل فرار از سـختی‌ها و مشکلات پیش رو از زندگی جهادی دسـت برداشته و به روزمرگی و زندگی شخصی پرداخته‌اند، این در حالی است که حضرت زینب کبری(س) از سنین کودکی همواره با سخت‌ترین وقایع و مصیبت‌ها روبه‌رو بوده‌اند و با خودسازی و قرار گرفتن در مسیر بالندگی، نه‌تنها خود را در راه بندگی خدا رشد دادند، بلکه در مراحل مختلف، با سـبک زندگی خود دیگران را به سمت رشـد تربیت کردند. آن بانـوی بزرگوار با عملکرد خـود در علم‌آمـوزی، خانه‌داری، تشکیل جلسات آموزشی، خدمت به امام زمان‌شـان و... نشان دادند تهدیدهای بزرگی مانند یتیمی در سن کودکی، غربت و... را می‌توان تبدیـل به فرصت کرد و با تمرکز بر کلید طلایی خودسازی، ضمن دوری از آسـیب‌های اجتماعـی، به یک عنصر موثـر اجتماعی در جامعه تبدیل شد.

■ **فعالیت‌اجتماعی**

حضرت زینب کبـری(س) با عزیمت پدر به کوفه به همراه خانواده رهسپار این شهر شد و در آنجا به برگزاری کلاس قرآن و تربیت بانوان پرداخت. این عملکرد نشان‌دهنده این است که بانوان علاقه‌مند به فعالیت اجتماعی نیازی نیست به مشـاغل مردانه روی آورده یا بخواهند قدرت و پهلوانی خود را به رخ جامعه بکشـند، بلکه همین بانویی که در شرایط اضطرار پس از واقعه کربلا، یک تنه در برابر نامردان روزگار ایسـتاد و قافله‌سالاری آل‌الله را برعهده گرفت، با عملکرد آموزشـی خود این مهم را یادآور شد که برای بانوی ایمانی، ترویج فرهنگ قرآنی، انتشـار علـم و تربیت افراد جامعه بزرگ‌تریـن راه خدمت به امام زمان و حضور موثر در عرصه‌های اجتماعی است.



این سبک زیست اجتماعی و فعالیت تربیت‌محور بانوی کربلا نشأت گرفته از آموزه پدر بزرگوار ایشان است که فرمودند: هر کسی فردی را تربیت کند یک جهان را تربیت کرده است. انسان مومن ولایتمدار در دوره انقلاب اسـلامی نیز باید در هر حالی خود را مقید به آموزش و تربیت نیرو برای انقلاب بداند و با پرداختن به امر تعلیم و تربیت در ظهور و بروز جامعه ایمانی نقش موثر داشته باشد.

■ **روایتگری**

بانـوی صبر و اسـتقامت پـس از واقعه کربلا، با برگـزاری محافل روضه و روایتگـری از مصائب اهل بیت(ع) به روشـنگری علیه ظلم ظالمـان پرداختـه و مردم را بـا جریـان حق و باطل آشـنا می‌کردند، این درسی است برای مدعیان پیروی از اهل بیت(ع) که نه‌تنها در سـختی و فشار زندگی با دیـدن غلبه ظلم حاکمان جور عقب‌نشینی نباید کرد، بلکه باید به روایتگری از ظلم ظالم و غربت مظلوم پرداخت تا نسل‌های بعدی نیز با فرهنگ انقلابیون پیشـین آشـنا شـوند. این مهـم در دوره کنونی که نسل چهارم و پنجم انقلاب در سن رشد و نسل سوم انقلاب در دوره پذیرش مسؤولیت قرار گرفته‌اند بسیار الزامی اسـت تا نسل اول و دوم به روایتگری از مبارزات انقلاب و دفاع‌مقدس پرداخته و فرهنگ انقلابی‌گری اصیل را به نسل‌های بعدی منتقل کنند، بویژه در زمانی که دشـمنان سـعی دارند با نفوذ در بین مسؤولان و تهاجم فرهنگی علیه جوانان مسـیر انقلاب را منحرف کرده و به سویی ببرند که از حکومت اسلامی فقط نامی باقی بماند.

■ **مبارزه**

عمه سادات پس از بازگشت از شام به مدینه به روایتگری مبارزات و شهادت شهدای کربلا بسنده نکرد و با خطبه‌های توفنده خود به رسوایی طاغوت و انگیـزش روحیه انقلابی بین مردم پرداخت و تا جایـی پیش رفـت که حاکم مدینه با احسـاس خطـر از قیام مردمی به آن بانو پیام داد سـکوت را در پیش گیرنـد اما تبلور فرهنگ علوی در آن تربیت‌شـده بیت نور، مانع از آن بـود که در برابر یزیدیان سـکوت کرده و نابودی دین را به تماشا بنشیند، لذا این حرکت انقلابی آنقدر ادامه یافت تا حضرت را از مدینه تبعید کردند. اکنون صاحبان قلم، سـخنوران و اهالی رسانه، این رسالت زینبی را بایـد برعهده گرفته و به رسـوا کردن ظالمان و خائنین به فرهنـگ انقلاب و اسـلام بپردازند تا همچـون زمان مبارزات پیـش از پیروزی انقلاب اسـلامی، مبارزه با اسـتکبار جهانـی و ایادی آن را ادامه دهند و بسـتر پیشـرفت و صدور انقلاب اسلامی را آماده کنند. این تنها شمه‌ای از آموزه‌ها و برکات حضور یک بانوی انقلابی در دوره امامت ۴ امام نخست شیعیان است، جا دارد مومنین برای تبرک جستن از ایام ولادت اسوه ایثار و استقامت به مطالعه زندگینامه آن حضرت پرداخته و با درس گرفتن از رفتار این شاگرد تربیت شده در بیت ائمه اطهار(ع)، خود را برای یاری امام دوازدهم و خدمت به انقلاب اسـلامی آماده کنند، بلکه با اقتدا به آن بانوی حسینی بتوانیم حسینی‌وار زندگی کرده و زینب‌گونه به یاری حجت خدا بپردازیم.

روزنه

نگاهی به اوضاع جهانی خانواده

۷ نظام اصلی خانواده در دنیا

گوران تربورن

■ **دوره‌های تغییر و الگوهای خانواده**

فقط ۲ چیز درباره آینده خانواده مسـلم اسـت؛ یکم، الگوی خانـواده در بخش‌های مختلـف دنیا صورت‌هـای متفاوتی خواهد داشـت و دوم، آینده صحنه‌ای به وسـعت دنیا برپا خواهـد کرد که در آن نمایش‌های متنوعـی از خانواده اجرا خواهد شـد. نکته دوم پیامـد مهمی دارد که باید بر آن تأکید کـرد. دوره‌های تغییر به نـدرت بر اهمیت خود واقفند. تفسیرگران وضع موجود بشدت مسـتعدند که آنچه را در حال وقوع اسـت دسـت‌کم بگیرند (حتی انـکارش کنند) یا در آن زیادی اغـراق کنند (به‌منزله عصری جدید). این مفسران در گیرودار فرآیندهای متعـارض اجتماعی‌انـد و در مسـابقه‌ای تنگاتنگ بـرای جلب توجه، بـا هم رقابت می‌کننـد. در موضوع خانواده، اغراق سـکه رایج بحث‌های عمومی است. مسابقه «پایان خانواده» از یکسـو، میان مثبت‌اندیشانی در جریان اسـت کـه پیـروزی «فردگرایی» و ظهور «رابطه‌های خالص» را می‌سـتایند و از سوی دیگر، بین منفی‌اندیشانی رایج است که سـوگوار انحلال جامعـه، افت جمعیت و بازگشـت عصـر کهن یخبندان هسـتند. بـرای درک دوره تغییری که در آن به سـر می‌برید، باید از دانش تاریخی کافی و فاصله بازاندیشانه‌ای که پیش‌نیاز خودانتقادی است، بهره‌مند باشید.

لذا بر پایه تحقیقاتم، مایلم ۲ نتیجه‌گیری را ارائه کنم؛ اول آنکه، امروز نظام‌های خانواده متفاوتـی در دنیـا وجود دارنـد، که در کل همگرا نیستند، بلکه از برخی جهات واگرایند و همیـن نظام‌ها خصیصه‌نمـای دنیای ما در آینده پیش‌بینی‌پذیـر خواهند بود. دوم، تغییرات اخیـر در خانواده‌هـای آمریکایی یا اروپای غربی را باید در چشـم‌انداز زمانی طولانی‌تری فهم کرد، نه آنکه به خانواده‌های صنعتی معیار در بازه میان ۲ رکود دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۷۰ اکتفـا کنیـم. ادیان جهانی بـزرگ و تاریخ فرهنگی تمدن‌ها، نقشـه‌ای جهان‌گسـتر از نظام‌های عمده خانواده در اختیارمـان قـرار می‌دهنـد؛ نظام‌هایی که هرچنـد هریـک از آنها بـه خرده‌نظام‌های متعدد تجزیه‌پذیرند و تنوع بسیاری دارند اما تعدادی محدود از الگوهای قابل تشخیص را می‌توان در آنها دید.

خانواده‌هـا در دنیای جهانی‌شـده چه سـیمایی دارنـد؟ در ایـن فهـم جدید از درهم‌تنیدگـی شـدید زمیـن که بـا واژه «جهانی» نشـان داده می‌شـود، خانواده‌ها چگونه‌انـد؟ کـدام الگوهـای معنـادار جهان‌گسـتر در کارند کـه گوناگونی‌های فـردی بیکـران را فهم‌پذیـر می‌کنند؟ آیا الگوهـا و رفتارهای خانوادگی در سراسـر جهان هرچه بیشتر به هم شبیه می‌شوند؟ خانواده‌هـا چگونه با دنیـای امروزی پیوند می‌خورنـد؟ آیا در آغاز قرن بیسـت‌ویکم، اهمیت اجتماعی خانواده‌هـا رو به افزایش است یا رو به کاهش؟

گونه‌شناسـی‌های خانـواده را عمدتـاً انسان‌شناسـان و جمعیت‌شناسان تاریخی تدوین کرده‌اند. آنها بر جامعه‌های پیشامدرن و پیشـاصنعتی و قواعد نسب و ارث در آنها تمرکز داشتند. همچنین بر الگوهای ممنوع و مرجح ازدواج و قواعد میان‌نسلی سکونت در منـزل (مراجعه کنید به این مرور معلم‌وار و جدید در: تاد، ۲۰۱۱: فصل یک). برای فهمی مدرن و معاصر از ماجرا، شاید رویکرد دیگری مناسب‌تر باشد. با مدنظر گرفتن روابط قدرت میان نسل‌ها و همسران و رویه‌ها و کردارهای مرتبط با سکسوالیته، چه در چارچوب ازدواج یا خارج آن، می‌توانیم چند ناحیه بزرگ را در جغرافیای فرهنگی خانواده در دنیا تشخیص دهیـم. آنگاه قـادر خواهیم بـود حداقل ۷ نمونه از این نظام‌هـای خانواده را بیابیم که اکثر آنها ریشـه‌هایی باستانی دارند؛ هرچند در فرآیند بازتولید تکاملی خود دسـتخوش تغییـرات تاریخـی شـده‌اند. در هریک از ایـن نظام‌ها نه‌تنها بی‌شـمار گونـه فردی، بلکه خرده‌نظام‌های مجـزای فراوانی را نیز دربرمی‌گیرند.

ترجمه: محمد معماریان / ترجمان

@vatanemrooz
درشبکه‌های اجتماعی